

۴ پارادایم فلسفه دینی و جریان آن در نظریه تفسیر

۹ فاعلان اجتماعی در رویارویی با نظام حقوقی مقاصدی

۱۲ صحیفه سجادیه در یک نگاه

۱۷ انتظار از دین، آغازی تازه در حوزه فلسفه فقه

۱۸ فرآوری اخلاق و نظام آیینی تولید علوم انسانی

۲۰ سند الگوبه مثابه الگوی ساز و کار پیشرفت

۲۵ ظهور ایده پیشرفت در تجربه ایران معاصر



خبرنامه داخلی
مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال هشتم، شماره چهارم، تیر ۱۳۹۹

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

وضعیت امروز جامعه ایرانی، هم‌چنان در وضعیت پیشاتوسعه‌ای است و خط تدبیر مسائل ملی در ریل توسعه دانش بنیان قرار نگرفته است. در کانون نظام مسائل پیشرفت به معادله دانش - قدرت می‌رسیم و نظریه ولایت فقه در دین بنیان پیشرفت در میان می‌آید. نظریه‌ای که در راستای نظریه پیشرفت دانش بنیان شکل می‌گیرد و قرانت تازه‌ای از نظریه و نظام جمهوری اسلامی را به دست می‌دهد و می‌تواند این نظریه و نظام را از بن بست فعلی در افتاده به آن عبور دهد و مسئله پیشرفت ملی را به ساحت امر توسعه‌ای در دستور فرآوری مدنیت پیشرفت ارتقاء بخشد و اینک گزارش تیر ۹۹ پیش روست:

۱. در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مینا دو گزارش «تعریف دین» و «پارادایم فلسفه دینی و جریان آن در نظریه تفسیر» پیش رو است؛

۲. در گروه پژوهش تفسیری فرازهای گام تازه پژوهش در «سوره بقره: رسم زیستمانی» با سوره بقره، «فاعلان اجتماعی در رویارویی با نظام حقوقی مقاصدی» با سوره نساء، «رسم زیست مؤنانه در عیار فاعلیت امر مدنی» با سوره انفال، «تکمله تفسیری سوره عصر»، «روش‌شناسی تفسیری» و «راهکارهای کشف ساختار و ارگی متن قرآن کریم» مرور می‌شود؛

۳. در گروه اخلاق و سبک زندگی با «صحیفه سجادیه در یک نگاه» و نیز با دعای ابوحمزه «همه الگوی رشد دعای ابوحمزه» پیش روست؛

۴. گروه پژوهشی فقه و حقوق نیز در بحث فلسفه فقه «انتظار از دین، آغازی تازه در حوزه فلسفه فقه» را آغاز نموده است؛

۵. گروه پژوهش علوم انسانی نیز در این مرحله از کتاب «گفتگوهای اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی» به «فرآوری اخلاق و نظام آیینی تولید علوم انسانی» نظر افکنده است؛

۶. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی بحث تدابیر سند الگوی پایه پیشرفت در گزارش «سند الگوبه مثابه الگوی ساز و کار پیشرفت» و هم‌چنین دو گزارش «در گذار درون‌زای توسعه» و «تکمیل تدابیر پیشنهادی سند الگوی پایه» در دستور تأمل است؛

۷. انجمن علمی هم‌اندیشی پیشرفت در فرصت خویش به «نظام مسائل توسعه‌ای جهان ایرانی از عصر پهلوی تا تعامل بین‌الملل تا نظام شاخصه‌های توسعه» پرداخت و در ادامه رویدادهای تیر ماه سه گزارش «ظهور ایده پیشرفت در تجربه ایران معاصر»، «الگوی برگزینی پروژه‌های پژوهشی حوزه علمیه» و «نظریه گسست و پیوست اجتماعی - تمدنی» پیش روست.

دبیر علمی

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، با نظر به دو دستاورد این گروه، پروژه «تعریف دین» معرفی می‌شود که در راستای مباحث فلسفه دین با ویرایش تازه‌ای روبرو می‌شود و «پارادایم فلسفه دینی و جریان آن در نظریه تفسیر» نیز در دستور تأمل آمده است.



- ۳.۲. رهسپاری کارکرد، رهسپاری عینیت؛
- ۳.۳. تا وضعیت مطلوب تا بالغ‌ترین اوج از متن ویژگی‌های عینی انسانی خویش؛
- ۳.۴. فصل جامع فرآینگیزش رشد در متن جریان‌یابی اصل تجربه بلوغ؛
- ۳.۵. اوج تجربه باطنی و تعین هویتی آن.
۴. تعریف پدیدارشناختی
- ۴.۱. بررسی و نقد تعاریف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی از دین؛
- ۴.۲. تعاریف رویکردی؛
- ۴.۳. تعاریف ترکیبی.
۵. رهسپاری به تعریف تفصیلی
- حجت الاسلام والمسلمین دکتر صادق‌نیا: درباره امکان ارائه تعریف از هر پدیده‌ای اعم از دین یا هر موضوع دیگر دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، از جمله:
 ۱. دیدگاه عینیت‌گرایان: عینیت‌گرایان قائلند که یک عین واقعی و یک نسبت واقعی وجود دارد که می‌توان در قالب یک کلام آن را مقید و تعریف نمود؛
 ۲. دیدگاه پدیدارشناسان: در منطق پدیدارشناسی امکان تعریف پدیده‌ها وجود ندارد؛ زیرا به هنگام تعریف اصطلاحی، در حقیقت از یک مفهوم‌سازی یا از یک برساخت مفهومی پرده برداشته می‌شود و چون این فعالیت مفهوم‌سازی از یک جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر، از یک دوره تاریخی به یک دوره تاریخی دیگر، متفاوت است و با یک پدیده ثابت آن‌گونه که ساختارگراها معتقد بودند، روبرو نیستیم؛ بلکه با یک پدیده سیال روبرو هستیم که حتی یک جامعه ممکن است این پدیده را در طول تاریخ و دوره‌های مختلف به شکل‌های مختلفی برساخت کرده باشد؛ لذا تعریف از دین تعریفی بسیار سیال است. گروه‌های مختلف، تعاریف مختلفی از دین ارائه داده‌اند که می‌توان تعاریف مذکور را در سه دسته مجزا قرار داد:
 ۱. بعضی تعاریف دین ناظر به مجموعه‌ای از «محتویات» هستند، بدین معنا که دین همان محتویات متون مقدس است؛
 ۲. دسته دیگر مرادشان از دین، اشاره به محتویات متون مقدس

سلسله نشست‌های انجمن «جهان دینی - جهان جدید» با حضور اساتید صاحب‌نظر در این حوزه در گام تیر ماه، بحث از «تعریف دین» را در دستور کار خود داشت.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر آکوچکیان: فرصت تاریخی بازخوانی پارادایمی آدمیت اسلامی - ایرانی رسیده است و انسان و دین‌پژوه ایرانی در این تاریخت توسعه‌ای، در فرجام دو سده تجربه مدرنیته درون‌زای خویش و به منظور بهترین آغاز فلسفه دینی در این بازخوانی، از تعریف دین آغاز می‌کند. فرصتی که پرسش از آینده بشر در نزدیک‌ترین فاصله تاریخی با انسان قرار گرفته است. سه سوال برجسته بشر معاصر امروز، پرسش به ترتیب برجسته انسان اسلامی - ایرانی است:

۱. دین به چه معناست؟
 ۲. انسان معاصر کیست؟
 ۳. زیست‌جهان معاصر و امر دینی معاصر چگونه ایضاح می‌شود؟
- ورود به تعریف دین نیازمند الگویی پنج بخشی است:
۱. زبان‌شناسی شناختی:
 - ۱.۱. معناشناسی زبان؛
 - ۲.۱. روش‌شناسی زبان (یعنی روش‌شناسی تعریف دین).
 ۲. رهسپار تعریف ساختاری دین (تعریف تحلیلی)
 - ۲.۱. تعریف فلسفی دین (ساختار تحلیلی دین، ساختار فلسفی تحلیل دین)؛
 - ۲.۲. ساختار درون‌زای فلسفه دینی دین؛
 - ۳.۲. ساختار پدیدارشناخت حقیقت دین به تحقق دین.
 ۳. تعریف درون‌متنی
 - ۳.۱. بینش به دین، بینش به راه؛

دارد و در بین مردم که از یک سو به امر مقدس و از سوی دیگر به امر مقطوع تمایل دارند، از بین نمی‌رود.

در پاسخ به این سؤال که آیا تمامی قائلان به این نظر باید به این دو گزاره معتقد باشند، گفتنی است: امروزه در روزگار مدرن از نظر هانس پرایم (۱۹۲م) پنج جریان درباره در پاسخ به این سؤال وجود دارد. البته برخی مانند خانم درکی شول به سه گروه قائل شده‌اند:

۱. ارتدوکس‌ها، یعنی راست‌گیشان یا محافظه‌کاران: این دسته به این دو گزاره قائلند (قائل به فهم سنتی)؛

۲. لیبرال‌ها: این گروه معتقدند می‌توان این

متون را دوباره بازخوانی نمود؛ یعنی با کنار گذاشتن خوانش سنتی از دین، از این سنت فراتر رفته و این متون طوری فهمیده شود که از زبان اسطوره نجات داده شوند؛ به این معنا که برای روزگار خودمان قابل فهم باشد، برای مثال بولتمان معتقد است اشاره به برگشت عیسی (علیه السلام) در متون مقدس، یک اسطوره و در حقیقت دامی اسطوره‌شناسانه برای نگه داشتن ایمان مردم آن زمان است. اما امروزه برگشت عیسی (علیه السلام) را به نحوی دیگر تعبیر کرد (قائل به تفکیک و تلفیق)؛

۳. رادیکال‌ها: این گروه معتقدند دین باید

به مسائل موجود جواب دهد؛ مانند تأسیس بانک‌داری، تنظیم اقتصاد، انقلاب و... از

نظر این گروه، باید خوانشی از دین که انسان را به سکون و رکورد دعوت می‌کند، کنار گذاشته و به بخش‌هایی از آن پرداخته شود که به معضلات اجتماعی پاسخ می‌دهد. در حقیقت با دین برخورد گزینشی دارند؛ یعنی برای مثال آن بخش از دین که برای حفظ محیط زیست یاری دهنده است، اخذ شده و بخشی که از آن نابودی محیط زیست فهمیده می‌شود، کنار گذاشته می‌شود. مراد از رادیکال، رادیکال‌بودن در مواجهه با دین است نه در مواجهه با جامعه.

چالش‌های روش‌شناختی گروه اول و دوم که دین را محتویات متون مقدس نامیدند:

۱. بقای تقدس متون دینی یا این‌که این متون دیگر از آن حیث الهی افت کرده و به متون بشری (human product) تبدیل می‌شوند. کاری که رمانتیک هرمنوتیک مدرن با متون مقدس کرد و آن‌ها را از یک تولید یا فرآورده الهی تبدیل به فرآورده‌های بشری کرد؛

۲. چالش دوم مربوط به تفسیر متن است. با این توضیح که آیا تفسیر این متون، امری بشری است یا الهی. اگر امری الهی باشد، این تفسیر همانند خود متن مقدس به یک عقلانیت الهی نیاز دارد تا خداوند آن را در دل یک انسان قرار دهد. بر این مبنا برای فهم متون مقدس نیازی به آموزش نیست و تنها تهذیب نفس نیاز دارد. در حالی که امروزه معتقدند تفسیر، به دست آوردن معنا از یک متن از سوی انسان است و انسان باید روش رسیدن به معنا را توضیح دهد. بر این مبنا انسان می‌تواند کاملاً به خداوند و متن مقدس بی‌اعتقاد باشد اما

نیست، بلکه مرادشان از دین اشاره به یک Social fact است، یک واقعیت اجتماعی، یک واقعیت بیرونی، یک واقعیتی که در جامعه وجود دارد و به عبارتی تقریباً مرادشان از دین تدین یعنی دین‌ورزی است؛ یعنی دین‌ورزی در قالب مناسک، دین‌ورزی در قالب کنش‌های مذهبی، دین‌ورزی در قالب نظام اخلاقی، دین‌ورزی در قالب یک بینش و دین‌ورزی در قالب معرفت (knowledge) و شناخت؛

۳. در دسته سوم از تعاریف دین که بیشتر در نزد روان‌شناسان دیده می‌شود، تعریف دین به مثابه یک کیفیت نفسانی است، مثل تعریف دین به احساس؛ احساس عشق‌ورزی، احساس ترس و هراسی.

از بین این سه تعریف، تعریف دین به محتوای متون مقدس، عمیقاً پیوندی با تاریخ دارد؛ یعنی با یک وضعیت تاریخی قبلی؛ چون سنتی است که از گذشته آمده و از آن دفاع شده است، از سودمندی این متون و محتویات این متون دفاع شده است. تعاریف دسته نخست همواره با مفهوم دین اصیل و غیر اصیل روبرو هستند؛ یعنی همواره تفکیکی دارند بین دین اصیل و دین غیر اصیل، بدین معنا که آن‌چه که از دین و از این متون فهمیده می‌شود و اسمش دین است، آیا اصالت دارند یا خیر؟ دوم این‌که اساساً این

محتویات همانی هستند که بودند؟ و سوم این‌که این متون مشروعیت این اظهارنظرها را دارند؟

افرادی که دین را به محتویات متون مقدس تعریف می‌کنند، دچار برخی چالش‌ها هستند. این چالش‌ها نیز بر اساس گزاره «خطاناپذیری» به دو دلیل است:

۱. تمام نیازمندی‌های انسان و راه‌حل‌ها در این متون وجود دارد؛ همانند سؤالات کیهانی، طبیعی، زندگی پس از مرگ و... این گروه معتقدند اگر برای پاسخ به سؤالات، به دنیای بیرون از متون مراجعه کنیم، به همان میزان سکولار شده‌ایم. البته گروه‌های لیبرال از این گروه استثناء هستند؛

۲. محتویات متون با پیشرفت علم، باطل نمی‌شوند. بنابراین قائلان به این تعریف، همواره باید تمام تلاش خود را به کار گیرند تا از موجه‌بودن دین در دنیای جدید دفاع کنند. مفهوم سؤال «دین در دنیای جدید» برای این گروه متفاوت است. برای مثال پیتر برگر می‌گوید دین در دنیای جدید از بین نخواهد رفت. ما نیز چنین عقیده‌ای داریم، اما با این تفاوت که ما در حقیقت بر اساس این عقیده، معتقدیم قرآن در دنیای جدید از بین نمی‌رود؛ سنت از بین نمی‌رود. در حالی که منظور پیتر برگر از این گزاره، قرآن و سنت نیست. بلکه منظور او واقعیت اجتماعی (fact Social) است که همواره وجود

فرصت تاریخی بازخوانی پارادایمی آدمیت اسلامی - ایرانی رسیده است و انسان و دین‌پژوه ایرانی در این تاریخیت توسعه‌ای، در فرجام دو سده تجربه مدرنیته درون‌زای خویش و به منظور بهترین آغاز فلسفه دینی در این بازخوانی، از تعریف دین آغاز می‌کند. فرصتی که پرسش از آینده بشر در نزدیک‌ترین فاصله تاریخی با انسان قرار گرفته است.



در عین حال، متن را تفسیر کند؛ چون ارتباطی به نوع انسان ندارد و با فراگیری روش می‌توان متن را فهمید. مانند فهمی که ایزوتسودر عین بی‌اعتقادی به اسلام، از قرآن ارائه داد. زیرا دور رکن در اینجا وجود دارد: انسان و متن و متغیر سومی وجود ندارد.

در مجموع از نظر بنده امکان ارائه تعریفی از دین که همه صورت‌های دین را در جهان سنت و مدرن زیر مجموعه خود بگیرد، وجود ندارد؛ ولی می‌توان قائل بود دین عبارت است از نظامی از باورداشت‌ها، کنش‌ها و اخلاق معطوف به امر مقدس. امر مقدس، خود ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله:

۱. هیبت‌ناک؛
۲. رمزآلود و مبهم؛
۳. داشتن اتوریته معرفت‌شناختی؛
۴. متعال است.

بنابراین دین عبارت است از هر کنشی که در تصور و تصدیق به آن دیگری (other)، به آن امر مقدس برگردد؛ هر مناسک و یا هر نظام اخلاقی در تصور و تصدیق که به آن برگردد.



در نشست‌های برگزار شده به منظور پیش‌برد اثر پژوهشی «اجتهاد پارادایمی در تفسیر پیشرفت‌شناخت» بخش دوم کتاب با موضوع «پارادایم فلسفه دینی و جریان آن در نظریه تفسیر با برآیند مسئله پژوهی پیشرفت» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

در بخش اول کتاب معین شد که خاستگاه نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت در مبانی پارادایمی آن منتق می‌شود. اولین گام در بسط خودآگاه مبانی پارادایمی نظریه و مکتب تفسیری، مبانی فلسفه دینی آن است. چپستی و چرایی دین اینک مضمون انگیزشی تفکر و قلم تفسیری را شکل می‌دهد. در بخش دوم این اثر به مبانی فلسفه دینی پرداخته می‌شود.

اولین پرسش بنیادی در حوزه پارادایم فکر اجتهادی تفسیری، پرسش از حیث هستی‌شناخت دین است. این پرسش در ساحت نظریه تفسیر، معطوف به پرسش از چپستی و چرایی هستی (حقیقت) دین است و ماهیت و شکل تحقق دین در سطوح نمادین واقعیت زیستمانی فردی، اجتماعی و تمدنی را نشانه می‌رود. پرسش این است که دین و امر دینی چپست و چه جایگاهی در عرصه چرایی‌های حیات انسانی دارد؟ و دو سطح حقیقت دین و تحقق دین در مجادله وجود اشیا و ایده در ذهن با وجود جهان بیرونی، چه تصویر بنیان‌پردازی درباره

جریان فکر اجتهادی مسئله‌محور دارند و چه سهم نسبتی با اندیشه پیشرفت برقرار می‌سازند؟ بدین‌سان رکن اول در هویت‌یابی پارادایمی اجتهاد، اتولوژی استعلایی یا رویکرد فلسفه حیاتی به دین برگزیده است. بدان، نام «فلسفه دین» می‌گذارند و برخی تا دامنه گسترده‌تر «دین‌پژوهی» توسعه می‌دهند.

اصلی‌ترین پرسش هر نظریه پارادایمی و هر نظریه مبتنی بر یک بنیان اندیشه‌ای معین، به ناگزیر از هستی‌شناسی است. مباحثی چون تعریف دین، منشأ دین، حقیقت دین، صدف دین، انتظار از دین و نیاز به دین، نمونه مؤلفه‌های مقدماتی ذهن پژوهش‌گر تفسیری است که با مفروضاتی در این عرصه‌ها، رهسپار فهم آیه‌ای یا سوره‌ای است. هر نظریه‌پردازی تفسیری در هر مکتب پیشنهادی، ناگزیر به آغاز از فلسفه دین است. پارادایم هر نظام اندیشه با هستی‌شناسی آغاز می‌شود و پارادایم یک نظریه تفسیر دین، هستی‌شناسی آن دین است و فلسفه دین، هستی‌شناسی آن دین است. این هستی در فلسفه دین به هستی‌داری انسانی تعریف می‌شود. زیستمان به این گونه زاده می‌شود. زیستمان، هستی مورد زندگی است. هستی دین منشأ و مدخلی بر هستی‌شناسی الهیاتی و معرفت‌شناسی مرجع‌گذار به این هستی‌شناسی است. فرآیند شناخت تابعی از هستی‌شناسی است و فرآیند شناخت دین تابعی از هستی‌شناسی دین است. فلسفه دین نام دیگر آن است. بدین‌گونه فلسفه فلسفه دین چرایی برگزینی دین در مبنای نظریه مرجع برگزیده تفسیر و تدبیر تحول است. چرایی برگزینی متن قرآن کریم برای تفسیر و تدبیر پیشرفت و کارکرداری فهم تفسیری در پردازش دانش مبنای مدیریت تحول، وام‌دار این خاستگاه فلسفه دینی است. نقطه آغاز و زاویه آغاز ظهور نظریه تفسیر، فلسفه دین است و فلسفه فلسفه دین از کارکرد دین در متن زندگی برمی‌آید. چرایی برگزینی فهم تفسیری به منظور پردازش دانش مبنای مدیریت تحول در گروی فلسفه دین است. فلسفه تفسیر چه بهره‌ای از فلسفه دین دارد؟

گمان پیشین این‌همانی این خاستگاه (خواهانی از دین) در میان اهل تفسیر، اینک، بر آفتاب افتاده است و اینک معلوم است که مسئله پژوهی در تفسیر، همواره برآیندی از نظام انتظارات پیشادین‌شناخت از دین و نظام نیازهای درون دینی به دین است. مسئله از خلال این برآینداری مستمر برای مفسر در وقت تخاطب با متن مقدس و استنتاج از آن بر می‌آید.

خواهانی پیشرفت، مسئله‌محوری فلسفه دینی برای نظریه و مکتب تفسیری است. آموزگاری کلام انسان با خداوند در سوره حمد و با زبان «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» مرجعیت فلسفه دینی این خواهانی را برای فهم تفسیری صد و سیزده سوره دیگر رقم می‌زند و سنت اوصیایی را بر این مدار جایگاه می‌بخشد.

برجسته‌ترین عرصه‌های این گام از تحلیل عبارتند از:

۱. اصول ساختاری فلسفه دینی تفسیر متن؛

۲. مسئله‌شناسی پیش روی تفکر

تفسیری؛

۳. نظام خواهانی‌ها.